



نویسنده: جناب قاضی صاحب لودین

مصیبت فقر

در دین مبین اسلام فقر به عنوان عوامل منفی در زندگی انسان معرفی شده است . پیامبر اسلام رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم نیز از کفر و فقر مالی به خدا پناه می برد از این جهت که پدیده فقر مالی ازاردهنده روح انسان و زمینه ساز سقوط او از مسیری فطری است .

بی سبب نیست که در اسلام آمده است { گرسنه ایمان ندارد } ویا اگر فقر از دروازه داخل شد ایمان از پنجره فرار می کند .

ویا { الخبز ما عبد به الرحمن } : یعنی نان چیزی است که به وسیله آن عبادت خدا می شود چون تا زمین اباد نشود نا ممکن است گرسنگی و فقر از بین بروند و نان به دست آید . در فقر زیستن و ادعای ایمان کردن - در تنگدستی و سختی بودن و از فرار ایمان جلوگیری کردن - نان نداشتن و عبادت خدا را کردن همه چیزهایی اند که اسلام آنها را رد کرده است .

انسان

فقر و محتاج ایمان چی که حتا خود را می فروشد به وطنش خیانت می کند و به موجودی بر ضد خدا و انسانیت تبدیل میشود .

چرا بهترین امت روی زمین مسلمانان اند ؟

چون برای سود رساندن برای انسان ها افریده شده اند .

مسلمانان اند که در کتاب اسمانی شان آمده که برای انسان ها مسولیت تمدن سازی سپرده شده است . مسلمانان اند که برایشان گفته

شده که انسان گرسنه ایمان ندارد و اگر فقر از در خانه هایشان داخل شد ایمان

شان از پنجره فرار می کند ویا اگر نان نداشتند وسیله عبادت خدا را از دست داده اند .

اما همین مسلمان در فقر عقب مانی - تنگدستی - عسرت - و دشمنی با تمدن زندگی می کنند

. در ساختن تمدن برای این نقش گرفته نمی توانند چون انسانیت و آزادی شان توسط حکومت هایشان قربانی استبداد می شود .

از اسلام حرف زده می شود اما مرگ و میر میان مسلمانان بیداد می کند

- و اگر جهان پیشرفته صنعتی نمی بود - نفت زیر پای شان نیز ثروتی بود که زیر

پای شان مدفون می ماند .

اکراه در دین - خودکامگی در سیاست - و فقر در جامعه سه عنصری اند که نمی گذارند مسلمانان مسولیت تمدن سازی و خدمت به انسان را مطابق به دستور الهی ایفا کنند . امروز تمدن مال کسانی است که شهر های کشور شان بهشت روی زمین اند . خدمت به انسانیت و بشر و

حقوق بشر نیز از فرهنگ مدنی آنها به جانب مسلمانان می آید و با پشتوانهء همین ارزش های مدنی مبلغان دینی شان نیز برای مسلمانان راه شان را به جهت خدا وعظ می کنند . مسلمانانی که بنا بر دستور الهی باید با تکنالوژی و کشفیات بزرگ در دیگر علوم فرهنگ شان را در سراسر جهان گسترش می دادند - امروز از غلبه فرهنگی دیگران دچار وحشت اند . انسان تمدن ساز - انسانی است که بنا به دستور الهی - آبادانی زمین را مسولیت خویش می داند . این انسان برای عبادت خدا و خدمت به انسانیت تمدن شایستهء انسان را خلق می کند . انسان تمدن ساز - انسانی است که وحدانیت - توکل به خدا و انسانیت را در زمینهء مدنی قرار می دهد که هیچ انسانی به علت فقر با ایمانش معامله نکند و هیچ فردی برای بی نانی عبادت خدا را فرو نگذارد و فرزندان خود را در حاکمیت حکومت های اسلامی { دیکتاتوری } در محضر عام در بازار ها نفروشد .

انسان تمدن ساز - انسانی مسول در برابر خدا و انسانی متعهد در برابر انسان و آسایش آن است . انسان تمدن ساز - انسانی موحد - متوکل - و انسان دوست است - انسانی است که می داند عبادت خدا - مثل توکل به خدا و مثل انسان دوستی و مثل تمدن سازی و وظیفه و مسولیت آن در هستی است . انسان تمدن ساز انسان شایسته ایست که زمین را شایسته مقام خود را در هستی می سازد . این انسان برای وحدانیت و انسانیت - بستر مدنی خلق می کند - چون مدنیت یا اباد کردن زمین را جزء شریعت می داند .

الله ج در قران کریم میفرماید :

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ .

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح (را فرستادیم) او گفت: ای قوم من! خدای یگانه را بپرستید که جز او معبود دیگری برای شما نیست. اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید، پس، از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید، همانا پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است.

پس انسان مسول آباد کردن زمین و ساختن تمدن است انسان باید تمدنی بسازد که تا حد ممکن جبر طبیعت به او آسیب نرساند . این زمین تنها جایگاه انسان نیست - میلیون ها موجود دیگر نیز در آن اند و به تنازع بقا مشغول اند . درست است که انسان خلیفهء خدا در زمین است - اما این خلیفه مصون از جنگ بقا نیست .

گرمی و سردی و خشکی و تری حیات را از انسان می گیرند . هزاران جرم و ویروس که اصلا به چشم دیده نمیشوند - دشمن حیات انسان اند .

سرطان انسان را می کشند و انسان باید بر این مرض غلبه کند

افات طبیعی دیگر نیز وجود دارند که حتارزق و زراعت انسان را نابود می کنند . اصلا خود زمین بر علاوه بر افتاب و آب و انرژی نیز ضرورت دارد و تنها انسان است که باید برای ساختن تمدن از سنگ - چوب - خاک - مس - طلا - الماس - یورانیم - نفت و آهن زمین استفاده کند . انسان باید قلب کوها را بشکافد و دل زمین را پاره کند و ثروت و نعمت برایش خلق کند .

فلسفه اباد کردن زمین - سود رساندن برای انسان هاست که جزء از فلسفه وجودی انسان است . اگر جامعه ای از جوامع بشری واگر فردی از افراد بشر فراموش می کند که بر علاوه عبادت خدا و خدمت به انسانیت - مسولیت تمدن سازی نیز برایش سپرده شده است . این جامعه و فرد در واقع کسانی خواهند بود که خدا وانسانیت را میان کثافت و بدویت دارند . چون انسان موجودی است که باید مطابق به شان خلیفه خدا در زمین بستر مدنی برای وحدانیت وانسانیت خلق کند . انسان افریده شده است که خدا را پرستش کند . انسان خلق شده که برای انسان ها سود رساند و به انسانیت خدمت کند و برای انسان مسولیت داده شده که تمدن بسازد . اینها وظایفی اند که از جانب خدا برای انسان ها سپرده شده - اگر خدا پرستیش گردد و اما بر انسانیت پا گذاشته می شود و برعکس اگر به انسانیت خدمت شده و در حق خدا ستمگری می شود در هر دو حالت انسان مسولیت خدادادش را ایفا نکرده و همچنان ولو خدا پرستش شود و به انسانیت نیز خدمت شود ولی مسولیت تمدن سازی فراموش گردد باز هم انسان به دستور خدا عمل نکرده است . جناب محترم Sadat صاحب گرامی و بزرگوار ! معیارهای حکومت های اسلامی برای شهروندان شان ! صحت رایگان و جلوگیری از امراض خطرناک . آموزش رایگان برای همه . اشتغال برای همه مردم . توانمند سازی جوانان و کمک و همکاری به سالمندان و محافظت از آنان . دست رسی همه مردم به غذا - آب صحتی و محیط سالم . و حفاظت از سر - مال - و ناموس آنها . متاسفانه که در کشور اسلامی ما افغانستان طوری دیگری است که :

مردان چگونه لباس بپوشند - زنان چگونه حجاب نمایند - موسیقی نشنویید - عروسی بر پا نکنید - رقص نکنید - تلویزون نبینید - انترنیت حرام است - کیسه مالی در حمام نباشد - کفتر بازی ممنوع است - ریش حتما باید یک قبضه باشد - پتلون پوشیدن علامت کفر است - تحصیل زنان نه تنها عامل فساد در جامعه اسلامی بلکه ضربهء محکم به خود اسلام است - کار کردن زن باعث فساد اخلاقی مردان میشود - علوم انسانی و علوم تجربی همه خلاف اسلام اند و عامل پخش کفر و بی دینی می شوند - در وقت نماز همه دکان ها باید مسدود شوند - مامورین باید دستار به سر کنند و تنها با قلم سیاه بنویسند - تقویم هجری شمسی به تقویم هجری قمری تبدیل شود - به عوض داکتر طبیب گفته شود - ارایش گاه و حمام زنانه مسدود شوند - سلمانی ها حق ندارند ریش مردم را اصلاح کنند - مردها باید سر شان را از بیخ بتراشند - و پولیس مذهبی اگر شک کرد - حق دارد حتا پایین تنهء مردان را نیز به خاطر اسلامی بودن تفتیش کند . جناب محترم Sadat صاحب !

افراط در دین - مثل تفریط در دین عامل رکود در دین است . افراط در دین با خشونت - اکراه و جبر ممکن است - و جبر و اکراه - دین گریزی را باعث میشود . تفریط در دین باعث بیگانگی با ارزش های دین می شود . دینی که ارزش هایش متروک و مهجور گشت - باعث گریز از دین میشود در قرانکریم حتا غلو کردن در دین منع شده است .

به همین ترتیب افراط و تفریط در هر امر - در هر پدیده و در هر عمل نتیجه بر عکس و نا مطلوب را خلق می کند .

در شریعت اسلام - سزای افراط و تفریط معادل کفر است .

اسلام ما را به چه دعوت می کند و قوام اسلامیت برای کدام ارزش ها بوده و مسلمانی متضمن کدام تعهدات در برابر خدا - در برابر انسان و در برابر مردم است ؟

جاهل مسلمان بیشتر از کافر عاقل با اسلام دشمنی می کند .

جاهل مسلمان خرافه پرستی است که فهم رمز آلودش

از دین رهنمای اعتقادیش برای توسل به خرافات و حتا شرک است .

دامنه اکراه طلبی در دین - حتا در جهل از دستایر الهی و آیات روشن قران برای پخش دین

و در شیوه های هدایت دهی مردم نیز ملاحظه می شود .

نزول دادن دین تا سطح جبری ساختن ریش و چشم های سر مه شده و پاچه های بلند تنبان تا

بجلك پا و یا دستار سفید و سیاه - در واقع قربانی کردن سنت الهی به بهانه حفظ

کردن شکلیات یا زیر پا کردن مغز دین است .

خداوند برای پذیرش دین و ایمان آوردن به خدا { لا اکراه فی الدین } می فرماید - ولی جهل از

این جوهر دین باعث می شود که بلندی پاچه تنبان با اهمیت تر از ایمان

آوردن به خدا دانسته شود و شرط لازمی و اجباری برای عبادت خدا بیان گردد .

جدی ساختن شکل لباس - اندازه ریش - سر مه چشم و مسواک زدن در محضر عام برای اسلام

- انسان را از این فکر محروم نگه می دارد که ایمان به خدا شکل لباس عرب و عجم نمی خواهد

- ایمان به خدا و هدایت خدا در قرآن برای تمام بشر با فرهنگ های خاص آنهاست .

قرآن نیامده که فرهنگ لباس پوشی اعراب را در یک هزارو چهار صد سال قبل برای تمام اعصار

- جوامع - تمدن ها و فرهنگ های ابدی سازد . اسلام آمده که ایمان به خدا - حق شناسی

- در برابر خدا - خداشناسی و محور وحدانی هستی را برای انسان های کره زمین هدایت دهد . قرآن

برای این نزول نکرده که در قالب ریش و پاچه تنبان و یا فرهنگ لباس پوشی عرب در یک

هزارو چهار صد سال قبل اسیر شود و بهانه ای برای جنگ هویت فرهنگی با مردمان جهان قرار گیرد

. قرآن غرض این برای تمام بشر نزول کرد که رابطه انسان با

خدا - جایگاه انسان نسبت به خدا و رابطه انسان با دنیا و آخرت را تعیین کند

. قرآن برای این نزول کرد که در حق خدا ستم گری به عمل نیاید و خلیفه خدا در زمین جاهل -

ستم گر و حق ناشناس و متمرّد در برابر خدا نباشد .

خدایا - خدایا - خدایا .

ما را نعمت آزادی ده که هر نعمت دیگر را با خود می آورد .

واز شر استبداد امان ده که هر شر دیگر را در خود دارد .

بی تفاوتی نسبت به گرسنگی همسایه بی ایمانی است .

قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم .

ما آمنَ بي من باتَّ شُبعانَ و جارهُ جائعٌ . قالَ : وما من أهلِ قريةٍ يبيئُ و فيهم جائعٌ ، ينظرُ اللهُ إليهم يومَ

القيامةِ ؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
به من ایمان نیاورده است آن که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. سپس فرمودند: اهل
هر آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه‌ای باشد، روز قیامت خداوند به آنان نظر (رحمت)
نمی‌افکند.

وقتی که ملت گرسنه باشد حالت حاکم چه باشد .

(وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى)

والسلام بر کسی که از هدایت پیروی میکند.

با حرمت